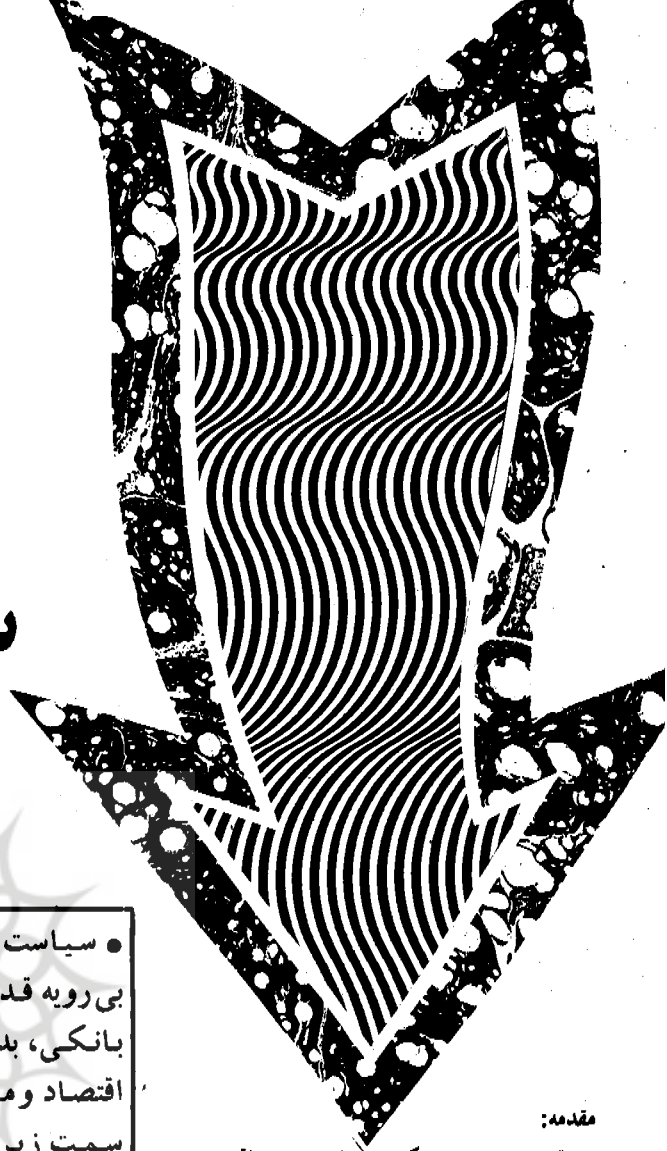


تورم در ایران ساختار اقتصاد شهر

ن. ابوالحسنی



مقدمه:

تورم به صورت یک بیماری مزمن اقتصادی گریبانگیر بسیاری از کشورهاست. این بیماری زاده سرمایه داری غرب و رونق رشد و توسعه آن می باشد و بصورت امری محتوم برای کشورهای عقب نگهداشته شده که در ارتباط تنگاتنگی با امپریالیزم جهانی می باشند درآمده است.

شکل گیری و بروز این بیماری، با آغاز برنامه های رشد و توسعه پیشنهادی و الگوی وارداتی آن، که در جهت تخریب ساختار اقتصادی جوامع مختلف و ایجاد بازارهای جدید برای تولیدات مازاد سرمایه داری جهانی است، رابطه مستقیم دارد. الغای فرهنگ، «مصرف بیشتر، رفاه بیشتر» که موجب انگیزش نیازهای کاذب و بردگی دائمی انسان و ایجاد حس برتری طلبی و خودنمایی گشته، در کنار تخریب ساختار اقتصادی صورت می گیرد.

در مجموع استراتژی های توسعه کشورهای در حال رشد با اولویت دادن بخش صنعت در قبال فدا کردن بخش کشاورزی مشخص می شود. در این دید مهاجرت از نتایج طبیعی توسعه بوده و باید بتدریج

• سیاست تزریق مداوم پول و افزایش بی رویه قدرت خرید موجب رشد شبکه بانکی، بدون ارتباط با ظرفیت بالقوه اقتصاد و منجر به جذب اعتبارات به سمت زیربخش های پرسود خدمات

روستا و ساکنان آن ناپدید شده، و نیروی فعال کشاورزی جذب بخش صنعت گردد. بی آمدن این عدم توجه به روستاها و برهم زدن بافت اقتصاد روستایی از شکل معیشتی به پولی و وابسته کردن آن به شهرها و افزایش جاذبه های شهری روند مهاجرت را تشدید می کند. کمبود نیروی انسانی و اعتبارات روستایی موجب کاهش تولید محصولات زراعی گردیده و روستا از ماهیت اصلی که منبع تهیه مواد غذایی است خارج شده، و خود بصورت مصرف کننده درمی آید و به دیگر مفهوم تورم را بخود می خواند.

برای بررسی ارتباط و تأثیرات متقابل تورم شهر و روستا ابتدا بوجود آمدن این پدیده در اقتصاد کشور و نحوه شکل گیری آن بررسی می گردد. آنگاه ساختار اقتصاد شهر و عوامل تشدید کننده تورم در آن و در قسمت بعد ساختار اقتصاد روستایی بحث می شود و در آخر نیز ارتباط و تأثیر متقابل شهر و روستا و راه های انتقال تورم در ساختار فعلی اقتصاد از شهر به روستا بررسی می گردد.

می گردد و اقتصاد کشور با شتاب زیاد به سمت یک اقتصاد ناسالم و کاملاً مصرفی گرایش یافته و رونق کاذبی را بدنبال می آورد که با افزایش قیمت ها همراه است.

بخش اول - تورم در ایران

تورم فعلی کشورمان میراث رژیم گذشته می باشد. ریشه بروز تورم را می توان در عدم کار آیی برنامه های رشد و توسعه اجرا شده که منجر به ایجاد تنگناهای مختلفی در اقتصاد کشور گردیده است دید. نگاهی به وضعیت اقتصاد کشور در ابتدای قرن حاضر به روشن شدن مطلب کمک مؤثری می کند:

در سال ۱۹۰۰ (۱۲۷۹ ه. ش) ایران کشوری با اقتصاد روستایی ابتدایی است که ۱/۵ جمعیت آن شهری و ۴/۱ عشایر و مابقی در دهات پراکنده اند. ۵۰ درصد صادرات را محصولات زراعی و واردات را مواد مصرفی نیمه ساخته و ساخته شده تشکیل می دهد. در این سال حتی یک اتومبیل وجود نداشت و دولت نقش کوچکی (۲٪ تولید ناخالص ملی) در اقتصاد داشته و فرهنگ قناعت در جامعه حاکم بوده است.

وقوع کودتای ننگین ۱۲۹۹ سرآغاز شکل گیری حرکت های تخریبی فرهنگی - اقتصادی است و همزمان برنامه های مدرنیزاسیون برای رشد و توسعه کشور عنوان می شود که این امر به نوبه خود مستلزم تغییر فرهنگ و رفتارهای مصرفی مردم که ناشی از خصوصیات فیزیکی، جغرافیایی و معتقدات دینی و ساخت اقتصادی توزیع درآمد است می باشد. دولت، بعلمت فقدان پویای اقتصادی، خود، وظیفه پیشگامی را در ایجاد صنایع مصرفی اولیه به عهده گرفته و بعنوان عامل محرکه جهت گیری های اقتصادی عمل می نماید. جنگ جهانی دوم و جریانات پس از آن این روند را متوقف نمود، اما کودتای ۱۳۳۲ که مجدداً منجر به تثبیت موقعیت رژیم شاه گردید، ادامه این روند را ممکن می سازد.

اجرای برنامه های عمرانی، ساختار سنتی اقتصاد کشور را با برنامه های توسعه متمرکز و تبدیل شهرها به قطب صنعت فرو می ریزد. سیاست: «صنعتی شدن بر مبنای تولید به منظور جایگزین کردن واردات است.» لذا، درصد بالایی از واحدهای صنعتی ایجاد شده را صنایع مصرفی تشکیل می دهند و از صنایع مادر، جز معدودی، اثری نیست و از آنجائیکه این سیاست در چهارچوب الگوی مصرف جامعه و در پیروی از نیازهای بازار داخلی صورت گرفته، در نتیجه شرایط لازم برای توسعه بخش های جدید را فراهم نیاورده است.

ماهیت صنایع نیز قابل توجه است، زیرا، اکثراً بصورت مونتاژ بوده، از نظر امکانات تکنیکی، مواد اولیه و مواد واسطه ای بخارج وابسته اند و درصد بالایی از واردات کشور را احتیاجات صنایع تشکیل داده است و ارتباط میان

بخش کشاورزی صورت می گیرد، این بخش تا قبل از سال ۴۱ قدرت تولیدی خود را حفظ می کند و مقادیری صادرات محصولات زراعی داشته ایم. برای شکست مقاومت این بخش برنامه اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱ تصویب و به اجرا گذاشته میشود و منجر به تغییر اقتصاد معیشتی روستا به اقتصاد پولی شده و زارعان را تبدیل به کارگران ساده نمود و بازار مصرف شهری را به روستا می کشاند. که نتیجه آن کاهش تولیدات کشاورزی و رشد شهرها و افزایش تقاضای جامعه شهری برای تسهیلات خدماتی است.

بدین ترتیب کشاورزی قدرت تأمین مواد غذایی مردم را از دست می دهد و رشد تقاضای این محصولات شکاف پدید آمده را عمیق تر نموده و

• حربه های رژیم جهت تعدیل مداوم قیمت ها، با توجه به از کار افتادگی سیاست های پولی و مالی و ناتوانی در ایجاد تغییرات ترکیب سرمایه گذاری و مصرف، به مواردی مانند کنترل در تثبیت قیمت ها و پرداخت سوبسید و کمک های نقدی به صنایع، محدود شد.

• تورم جهانی دهه ۷۰، چه مستقیماً از طریق کالاهای مصرفی وارداتی و چه غیرمستقیم از طریق کالاهای واسطه ای و سرمایه ای، به اقتصاد کشور منتقل شد. اثرات تورم جهانی در اقتصاد ایران به علت فقدان انسجام لازمه برای تعدیل آن، همواره بیش از تغییرات قیمت در سطح بین المللی بوده است.

کشور عمل می نماید. نحوه تأمین اعتبارات لازم در سه دهه گذشته علیرغم درآمد ارزی ناشی از فروش نفت، همواره با کمک کسری بودجه - جدول (۱) - و اتکاء به سیستم بانکی و گسترش پایه پولی کشور بوده و باعث ایجاد قدرت خرید اضافی می گردد.

سیاست تزریق مداوم پول و افزایش بی رویه قدرت خرید موجب رشد شبکه بانکی، بدون ارتباط با ظرفیت بالقوه اقتصاد و منجر به جذب اعتبارات به سمت زیربخش های پرسود خدمات مانند: بانکداری، بازرگانی داخلی و خارجی می گردد و اقتصاد کشور با شتاب زیاد به سمت یک اقتصاد نا سالم و کاملاً مصرفی گرایش یافته و رونق کاذبی را بدنبال می آورد که با افزایش سریع قیمت ها همراه است.

تبدیل ارزهای حاصل از فروش نفت به واردات برای پر کردن شکاف عرضه و تقاضا خود موجب افزایش نقدینگی در بخش خصوصی می گردد و اسکناس و مسکوک در جریان از ۱/۳۸ میلیارد ریال در سال ۴۶ به ۲/۱۰۵ میلیارد ریال در سال ۵۲ افزایش می یابد. جدول (۲)

بررسی چگونگی تأسیس بسیاری از بانک ها نشان می دهد که این بانک ها توسط گروه معدودی سرمایه دار بزرگ و وابسته تشکیل شده که مالکیت گروه های بزرگ تولیدی را در اختیار داشته اند و هدف آنان ایجاد ارتباط مستقیم بین بانک ها و گروه های مزبور بوده است. و این امر از عوامل عمده تضعیف ابزارهای سیاست پولی بود.^۲ گرایشات تورمی که بعلمت عدم کشش^۳ عرضه محصولات زراعی و مصرفی و صنعتی و افزایش نقدینگی از اواخر دهه ۴۰ آغاز گردیده بود، پس از افزایش قیمت نفت در سال ۵۳ ابعاد وسیعتری

جدول (۱) کسری بودجه در سالهای مختلف (۶۱ - ۴۶) • ارقام موجود نیست

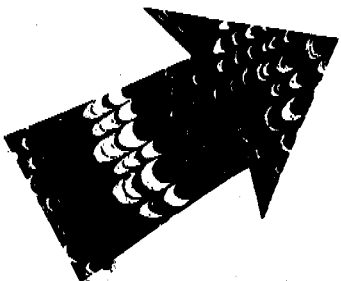
سال	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱
کسری بودجه	۲۸/۳	۴۱/۴	۴۸/۱	۵۹/۵	۳۲/۹	۵۸/۶	•	•	•	۱۶۹/۸	۴۵۸	۶۰۸/۹	۵۲۸/۳	۹۷۲/۵	۱۰۵۵/۵	۸۹۸

مآخذ: حساب های ملی ایران، بانک مرکزی ایران - بررسی تحولات اقتصادی کشور، بانک مرکزی ایران

رژیم برای مقابله با این زمینه تورمی دست به واردات مواد غذایی می زند.

در طی این سال ها، بودجه دولت، بعنوان عامل مسلط بر مبنای استفاده از ثروت های فنا شونده در حجم هایی بیش از ظرفیت واقعی اقتصاد

بخشی میان این صنایع و سایر بخش ها وجود ندارد. ارتباط صنعتی در سال ۱۳۴۶ نشان می دهد که از کل محصول بخش صنعت ۱/۳ در خود بخش و ۲/۳ مابقی بصورت کالای نهایی مصرف می شده است. با وجود تخصیقاتی که در



سال	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶
نقدینگی بخش خصوصی	۳۹۹/۴	۵۱۵/۸	۸۱۰/۱	۱۱۴۵/۵	۱۶۲۶/۵	۲۰۹۷/۰
۱- پول	۱۵۸/۷	۲۰۲/۷	۳۲۷/۲	۴۴۶/۵	۶۱۱/۲	۷۱۰/۵
۲- شبه پول	۲۴۰/۷	۳۱۳/۱	۴۸۲/۹	۶۹۹/۰	۹۸۲/۳	۱۳۰۶/۵
سال	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲
خصوصی	۲۵۸۸/۶	۳۵۵۰	۴۳۳۷/۸	۵۱۱۰/۷	۶۳۵۰/۷	۷۴۵۶/۲
۱- پول	۱۲۳۶/۵	۱۶۶۵/۸	۲۲۰۳/۳	۲۷۰۷/۵	۳۴۸۳/۸	۳۸۶۹/۲
۲- شبه پول	۱۳۴۲/۱	۱۸۸۴/۲	۲۱۳۴/۵	۲۴۰۴/۲	۲۸۶۶/۸	۳۵۸۶/۶

منبع: ترازنامه های بانک مرکزی ایران

بخود گرفت. شاخص ضمنی قیمت از سال ۵۳ به بعد سالانه همواره بیش از ۱۰ درصد رشد داشته است (جدول ۳). نگاهی به شاخص گروه های عمده در شاخص کل جدول مبین آن است که افزایش قیمت در قسمت خوراکیها و آشامیدنی ها و مواد دخانی بسیار سریع تر بوده است. رشد قیمت ها در شاخص مسکن و سوخت در درجه بعدی قرار دارد که ناشی از سیل فزاینده مهاجرین روستایی به شهرها می باشد.

حربه های رژیم جهت تعدیل مداوم قیمت ها، با توجه به از کارافتادگی سیاست های پولی و مالی و ناتوانی در ایجاد تغییرات ترکیب سرمایه گذاری ها و مصرف، به مواردی مانند کنترل در تثبیت قیمت ها و پرداخت سوبسید و کمک های نقدی به صنایع، محدود شد. سیاست تثبیت قیمت ها باعث تغییر سرمایه گذاری ها از بخش های اساسی به سوی بخش های غیرمولد و زود بازده گردید و شبکه های توزیع و بورس بازی

● بخش صنعت به علت مشکلات ساختنی هیچگاه قادر به ایفای نقش مهم خود در اقتصاد داخلی نگشته است. زیرا از ابتدا فاقد ارتباط ارگانیک با سایر بخشها بوده و به صورت بخش مستقل از اقتصاد داخلی، در رابطه با بازار جهانی عمل می کند و پویایی و تحرک لازم را نیز ندارد.

● ساخت منطقه ای بخش خدمات را می توان تا حدی در ارتباط با اشاعه فرهنگ مصرفی و گسترش صنایع وابسته و مونتاز بررسی کرد که تمرکز الگوی توزیع منطقه ای این بخش در چند شهر بزرگ، باعث تشدید محرومیت در مناطق روستایی و شهرهای کوچک شده است.

سود بیشتری یافت؛ زیرا دولت کنترلی بر آن نداشت. وجود مشاغل کاذب شهری مانند: فروشندگان دوره گرد و بساطی ها از نتایج برنامه های تثبیت قیمت ها می باشد.

تورم جهانی دهه ۷۰، چه مستقیماً از طریق کالاهای مصرفی وارداتی چه غیر مستقیم از طریق کالاهای واسطه ای و سرمایه ای، به اقتصاد کشور منتقل شد. اثرات تورم جهانی در اقتصاد ایران باعث فقدان انسجام لازمه برای تعدیل آن، همواره بیش از تغییرات قیمت در سطح بین المللی بوده است. عواملی مانند: ساخت بازار داخلی، وجود انحصارات و شبه انحصارات، حمایت بی رویه از سرمایه داران بزرگ، ضعف های بنیادی تولیدات داخلی، نظام واسطه گری وارداتی و نقش تورم جهانی در تقویت این امر دخالت مؤثر داشته است. تورم در طی این سال ها از بازار مصرف کالاهای آغاز و به بازار عوامل تولید سرایت نموده و منجر به افزایش هزینه تولید، دستمزدها و افزایش بی رویه

جدول (۳) - شاخص ضمنی قیمت - شاخص بهای عمده فروشی - افزایش شاخص کل بهای کالا و خدمات مصرفی

سال	شاخص ضمنی قیمت	شاخص بهای عمده فروشی	شاخص کل کالا و خدمات مصرفی	شاخص خوراکیها و آشامیدنی ها	شاخص پوشاک	شاخص مسکن و سوخت
۱۳۵۱	۴۵/۶	۷۵/۳	۷۷/۹	۷۷/۵	۷۶/۶	۷۱/۲
۱۳۵۲	۶۱/۷	۸۵/۵	۸۶/۶	۸۳/۵	۸۸/۹	۸۳/۷
۱۳۵۳	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۵۴	۱۱۱/۶	۱۰۵/۳	۱۰۹/۹	۱۰۵/۲	۱۰۸/۹	۱۱۸/۹
۱۳۵۵	۱۲۴/۸	۱۱۹/۵	۱۲۸/۱	۱۱۸/۲	۱۲۱/۱	۱۵۹/۲
۱۳۵۶	۱۴۳/۳	۱۳۶/۹	۱۶۰/۱	۱۴۲/۲	۱۴۶/۷	۲۱۷/۰
۱۳۵۷	۱۵۱/۹	۱۴۹/۹	۱۷۶/۲	۱۶۸/۸	۱۶۳/۶	۲۱۶/۷
۱۳۵۸	۱۹۵/۳	۱۷۹/۶	۱۹۶/۳	۲۰۶/۵	۱۸۷/۲	۲۰۵/۵
۱۳۵۹	۲۳۸/۱	۲۳۴/۳	۲۴۲/۵	۲۷۲/۵	۲۳۲/۱	۲۲۰/۴
۱۳۶۰	۲۶۹/۵	۲۷۹/۷	۲۹۷/۵	۲۴۲/۵	۲۸۳/۱	۲۴۱/۹
۱۳۶۱	۳۴۵/۳	۳۱۸/۱	۳۵۵/۲	۴۰۴/۴	۳۵۱/۸	۲۷۱/۲

منبع: ترازنامه سال های مختلف بانک مرکزی ایران

سهم نبود در اقتصاد گردید.

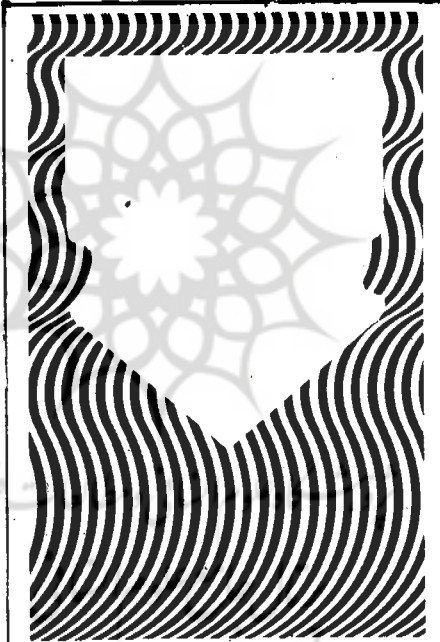
سیاست های پولی رژیم وقت نیز در جهت کاهش نقدینگی و مهار تورم بعلت نفوذ سرمایه های خارجی بانک ها بی اثر گردید و سیاست های مالی نیز وضعیتی مشابه یافت. همزمان تنگناهای شدید مربوط به نیروی انسانی، مواد تأسیسات زیربنائی، محدودیت امکانات ارتباطی، باعث کنند شدن برنامه های تولیدی گشت.

بدنبال اعتصابات سراسری سال ۵۷ و مبارزات انقلابی مردم سرانجام رژیم پهلوی ساقط گردید و انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید. پس از انقلاب علل مذکور مانند ارثیه ای شوم گریبانگیر اقتصاد کشور باقی ماند. از طرف دیگر حربه های امپریالیزم جهانی برای مقابله با انقلاب مانند تحریم اقتصادی، موجب افزایش بهای هزینه عوامل تولید، بعلت خرید از منابع واسطه ای گردید.

بروز جنگ تحمیلی و اشغال میهن اسلامی به نوبه خود باعث افزایش هزینه های دولت گردید. همینطور مشخص نبودن حدود مالکیت ها و تغییرات سریع بازرگانی خارجی موجبات رکود سرمایه گذاری در بخش خصوصی را فراهم آورد. در حالیکه اثرات روانی جنگ و پیش بینی تورم موجب افزایش تقاضا برای مواد مصرفی شد. خارج ساختن مقادیر زیادی ارز از کشور توسط وابستگان رژیم سبب بی اعتمادی مردم به سیستم بانکی گشت و مردم اقدام به خارج کردن سپرده های خود از بانک ها نمودند و نقدینگی بخش خصوصی افزایش یافت، بطوری که در سال ۵۸، ۳۷/۷ درصد و در سال ۵۹، ۲۲/۲ درصد رشد نمود. دولت برای نجات بانک ها از ورشکستگی درصد سپرده های قانونی^۶ را کاهش داد، اما افزایش نقدینگی نزد مردم و خالی شدن بانک ها ادامه یافت و دولت اقدام به انتشار اسکناس نمود. در سالهای بعد با وجود کاهش شدت نقدینگی نزد بخش خصوصی، بعلت وجود مازاد نقدینه، تقاضای کالا و خدمات مصرفی افزایش یافت. آمارها حاکیست شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی از ۲۴۲/۵ در سال ۵۹ به ۶۲۲/۱ در سال ۶۴ افزایش یافته و در قسمت خوراک با ضریب اهمیت ۳۷/۵۸ درصد در بودجه خانوار از ۲۷۲/۵ در سال ۵۹ به ۵۰۴/۵ در سال

● به علت آنکه فرآیند تولید، توزیع و مصرف در شهرها، هماهنگ عمل نمی کند و بین بهره وری کار و دستمزد رابطه مشخصی برقرار نیست نهایتاً موجب افزایش نابرابری در سطح اجتماع شهر گردیده و عامل رشد مشاغل غیرمولد و پولساز است.

● گسترش شکاف درآمدی عامل تلاش جهت کسب درآمد حتی از راههای نامشروع شده و فردگرایی جای همبستگی و خواست ملی را می گیرد. فقر اخلاقی و تنزل ارزش های انسانی و افزایش جرایم جنحه ای از دیگر عوارض آن است.



● تمرکز افراد در شهرها منجر به ایجاد مسایل شهری گشته و مشکلاتی نظیر: مسکن، حمل و نقل، بهداشت، آموزش و کار را بوجود آورده که موجب افزایش تقاضا برای کالا و خدمات می شود و این امر به علت عدم کشش عرضه محصولات داخلی افزایش قیمت ها را بدنبال می آورد و زمینه های تورمی را شدت می بخشد.

۶۳ رشد یافته است.

پدیده تورم، همواره بحث های زیادی بدنبال داشته و راه حل های گوناگونی برای آن پیشنهاد شده، اما از آنجایی که ریشه در ساخت اقتصادی و عوامل نهادی هر جامعه دارد؛ شناسایی علل آن حائز اهمیت می باشد. تورم فعلی کشور ما ناشی از زدند تعادل اقتصادی کشور نتوانست بافتی منسجم و یکپارچه به ارمغان بیاورد و می توان آن را تورم بنیادی و ساختاری دانست.

بخش دوم

ساختار اقتصاد شهر

بنای بسیاری از شهرهای ایران به دوران ساسانیان می رسد. البتة قبل از این تاریخ نیز شهرنشینی در ایران متداول بوده، اما از زمان ساسانیان شهرها از شالوده های اجتماعی، سیاسی به شمار آمده اند. در طول تاریخ کشورمان همواره حضور شهرها در کنار روستاهای مولد دیده شده، شهرها سازنده مصنوعات صنعتی، روستاها تأمین کنندة مواد زراعی و داد و ستد براساس سود متقابل برقرار بوده است.

تحولات اقتصادی - اجتماعی معاصر ایران که با روی کار آمدن رضاخان مقارن است پس از طی فراز و نشیب هایی از سال ۱۳۳۲ با تثبیت نقش امپریالیزم آمریکا و تک پایه ای شدن محصول کشور به نفت و ظهور آن، بعنوان عامل مسلط در اقتصاد ایران، حرکت های جدیدی را باعث می شود، اجرای اصلاحات ارضی دستوری، منجر به نابودی روستاها و ایجاد خرده مالکان سرمایه دار و تبدیل دهقانان به کارگر ساده گردید. با تبدیل شهرها، به محور اصلی حیات اقتصادی جامعه و گسترش زیر ساخت های صنعتی و مالی جهت بسط مناسبات سرمایه داری، فعالیت های جدید و سودآوری در شهرها پدید آمده و زمینه های سرمایه گذاری متعددتر شده و شهرها به مرکز اصلی اشتغال نیروی کار دستمزدی، بدل می گردد. با کاهش نقش تولیدات روستایی و رونق حیات شهری، مهاجرت نیروی کار از روستا به شهر سریعتر شده بطوری که رشد سالانه شهرها از ۲/۷۲ درصد در سالهای ۱۳۴۰ - ۱۳۰۰ به ۴/۵۷ درصد در دوره ۵۵ - ۴۱ می رسد.

نگاهی دقیق تر به رشد جمعیت، در تشریح کاردهی بخش های اقتصادی شهری کمک زیادی می نماید. در سال ۱۳۰۰ از ۹/۵ میلیون نفر (برآورد شده) جمعیت ایران، حدود ۸ میلیون آن در روستا زندگی می کرده اند. آمار سال ۱۳۲۰ نشان می دهد که در این سال از ۱۳ میلیون نفر جمعیت ایران، ۱۱ میلیون نفر آن ساکن روستاها بوده اند. نرخ مهاجرت در این دوره رقمی حدود ۰/۶ درصد در سال تخمین زده شده است و سالانه بطور متوسط ۳۰ هزار روستایی به شهرها مهاجرت نموده اند. ساخت اقتصادی روستا و رابطه ارگانیک شهر و ده در این دوره دست نخورده مانده است و صنایع شهری بعلاوه اوضاع سیاسی اوج و حوضی های پی در پی را تجربه کرده اند. در فاصله سالهای ۳۲ - ۱۳۲۰ جمعیت ایران به ۱۶/۵ میلیون نفر بالغ گردید و نرخ مهاجرت در این

● زمانی رابطه منطقی میان شهروده دردم ریخت که، مشخصه اصلی شهر به عنوان عامل دریافت دارنده مواد اولیه (از روستا) و ارائه کننده خدمت به اطراف خود، بدین نحو تغییر نمود که شهر از خارج وارد نماید، خود مصرف کند، به روستا نیز بدهد و در نهایت برای قطبی خارج از اقتصاد ملی کشور و ادغام در نظام جهانی سرمایه سالار بتبند و در تقسیم کار بین المللی به عنوان دهنده مواد اولیه و گیرنده مواد واسطه ای و مصرفی عمل نماید و قطع شریان وابستگی، حیاتش را مورد تهدید قرار دهد.

و تا سال ۵۶، حدود ۵۰ درصد در سال ۶۲، ۹۰ درصد از کل مهاجرین کشور را دریافت داشته اند. بر طبق این داده ها حدود ۸۱ درصد از افزایش جمعیت ۸ سال اخیر کشور جذب نقاط شهری شده اند و این در حالی است که کوشش دولت به میزان زیادی صرف بهبود شرایط زیست و الگوی درآمدی روستائیان کشور شده و با وجود بیکاری فزاینده در سطح شهرها، حکایت از ناهنجاری های عمیق ساختارهای اقتصادی - اجتماعی کشور خاصه در جامعه روستایی دارد. مهاجرت قبل از اصلاحات ارضی، تحت تأثیر عوامل رکودی و افزایش جمعیت روستاها و ثابت ماندن نسبی عوامل تولید کشاورزی و پس از آن ناشی از گسترش اقتصاد پولی در روستاها بوسیله نهادهایی مانند: شرکت تعاونی زراعی و بانک های روستایی، کاهش درآمد پولی روستاها

سال	بخش	درصد اشتغال در نقاط شهری	درصد اشتغال در کشور	نسبت خدماتی به صنعت در نقاط شهری	همان نسبت در کل کشور
۳۵	صنعت (بدون نفت)	۳۶/۲	۱۳/۸	۲/۱۶	۱/۷۳
	خدمات	۵۱/۳	۲۳/۸		
۴۵	صنعت	۲۷/۷	۱۸/۵	۱/۹۸	۱/۴۹
	خدمات	۵۴/۲	۲۷/۵		
۵۵	صنعت	۲۶/۵	۱۸/۹	۳/۷	۱/۷۴
	خدمات	۵۸	۳۲/۸		

دوره حدود ۱/۱۲ درصد برآورد گشته است. گرایش تمرکز گرای صنایع از این دوران شروع بخودنمایی می کند؛ برای مثال: در سال ۱۳۲۰ از کل کارخانجات بزرگ ایجاد شده، بیش از ۱/۴ در تهران و مابقی در استان های شمالی، گیلان و مازندران قرار داشته اند. سیاست دولت در این مرحله از صنعتی شدن جهت مدرنیزاسیون و خودکفایی بوده و اهدافی مانند اشتغال و سودآوری و مزیت نسبی صنایع سنگین مطرح نگردیده است. از ۴۹ هزار کارگر صنعتی در این سال، ۶۰ درصد در رشته نساجی، ۸۹ درصد در قندسازی و ۸ درصد در کبریت سازی بکار اشتغال داشته اند. ۷ در طول دهه ۴۵ - ۳۵ جمعیت کشور به کمتر از ۲ برابر رسید. جمعیت روستاها ۰/۴۵ و شهرها

۳ برابر افزایش یافت. رشد شهرها در این دهه ۵ درصد و در دهه ۵۵ - ۴۵ معادل ۴/۸ درصد بوده است و با توجه به نرخ طبیعی رشد جمعیت در این دو دهه که به ترتیب ۳/۱ و ۲/۷ درصد بوده، مبین مهاجرت چشمگیری است. مقدار مطلق جابجائی در سال ۴۵ - ۳۵ برابر با ۱/۲ میلیون نفر و در سال ۵۵ - ۴۵ حدود ۳ میلیون نفر بوده، لذا نرخ مهاجرت از روستا به شهر در دهه اول سالیانه ۲ درصد و در دومی ۲/۱ درصد می باشد. بعبارت دیگر در دوره اول ۴۱ درصد از شهرنشینان و در دوره دوم ۴۴ درصد آن را تشکیل می داده است. تهران و استان مرکزی بزرگترین مرکز جذب مهاجرین بوده اند، بطوری که تا سال ۴۲، حدود ۱/۱ میلیون نفر و تا سال ۴۵، برابر ۱/۹ میلیون نفر

را موجب گردید. پی آمد مهاجرت های همه جانبه افزایش نیروی کار در مناطق شهری و کاهش درآمد پولی روستاها را موجب گردید. پی آمد مهاجرت های همه جانبه، افزایش نیروی کار در مناطق شهری و کاهش آن در روستاهاست. در بین سال های ۴۵ - ۳۵ رشد نیروی کار، در مناطق شهری سه برابر روستاها و در سال های ۵۵ - ۴۵، ۴ برابر آن می باشد. این آمارها مبین کاهش اشتغال در بخش کشاورزی و افزایش آن در بخش اقتصاد شهری می باشند. بررسی الگوی ترکیب اشتغال در بخش شهری نشان می دهد که نیروی کار آزاد شده روستایی، بطور عمده جذب بخش خدمات گردیده اند و این بخش، به شکل بی رویه ای در مقابل دو بخش صنعت و

کشاورزی رشد یافته است و این مسئله ناشی از سود سرشار این نوع فعالیت می‌باشد. (جدول ۱)

بخش صنعت بعلت مشکلات ساختی هیچگاه قادر به ایفای نقش مهم خود در اقتصاد داخلی سایر بخش‌ها نبوده و بصورت بخش مستقل از اقتصاد داخلی، در رابطه با بازار جهانی عمل می‌کند و بی‌ویایی و تحرک لازم را ندارد سهم ارزش افزوده این بخش در تولید ناخالص ملی از ۴/۹ درصد در سال ۳۸ به ۹/۲ درصد در سال ۵۶ می‌رسد. چهارچوب کلی بخش صنعت ایران تا کنون نتوانسته است آثار فزاینده و تکاثری ناشی از درآمد نفت را به آثار توسعه‌ای جهت ایجاد صنایع اساسی تبدیل نماید و افزایش درآمد ملی طی دوران پس از ۱۳۳۲ سبب افزایش تقاضا برای کالاهای مصرفی و مصرفی بادوام و در نتیجه افزایش تولید این گونه کالاهای و منجر به افزایش تقاضا برای نهاده‌های واسطه‌ای و سرمایه‌ای گشته و بجای رشد این صنایع، سبب اتکاء بیشتر به واردات از خارج گردیده است. تغییرات کمی تولید صنعتی ایران نیز سبب تغییرات ساختی نگردیده و سیاست جان‌شینی و توسعه صنایع از آنجایی که در چهارچوب الگوی مصرف جامعه و نیازهای داخلی بازار صورت گرفته، شرایط لازم برای توسعه بخش‌های جدید را ایجاد نموده است.

ساخت منطقه‌ای بخش خدمات را می‌توان تا حدی در ارتباط با اشاعه فرهنگ مصرفی و

گسترش صنایع وابسته و مونتاز بررسی کرد. الگوی توزیع منطقه‌ای این بخش (خدمات) در چند شهر بزرگ (تهران - اصفهان - شیراز) باعث تشدید محرومیت در مناطق روستایی و شهرهای کوچک شده است، این تمرکز فزاینده بخش خدمات به شکل غیرمستقیم به تشدید تمرکز منطقه‌ای فعالیت‌های صنعتی دامن زده است، زیرا اغلب متخصصان صنعتی برای دستیابی به سطوح بالای خدمات علاقه‌ای به فعالیت در مناطق محروم را ندارند. تمرکز امکانات آموزش و درمان در تهران از این جمله است. از نظر بهره‌وری کار، بخش خدمات نسبت به بخش صنعت از قدرت تولیدی کمتری برخوردار است ولی باید بخواهر داشت که این بخش از لایه‌های گوناگونی برخوردار است که نسبت به یکدیگر کاملاً متفاوت اند. با اینحال بخش مذکور کمک فراوانی به بالا نشان دادن تولید ناخالص ملی می‌نماید که ناشی از قیمت‌گذاری بیش از ارزش حقیقی این فعالیتها می‌باشد. بخش خدمات ولایه‌های زیرین آن که اکثراً در بخش توزیع قرار دارند، قسمت بزرگی از مهاجرین بدون تخصص را در خود جای می‌دهند. مشاغلی نظیر دکه داری، سیگار فروشی، دستفروشی، قاچاق، افزایش مغازه‌ها و بوتیک‌ها از این جمله اند.

از طرف دیگر بعلت آنکه فرآیند تولید، توزیع و مصرف در شهرها هماهنگ عمل نمی‌کند و بین بهره‌وری کار و دستمزد رابطه مشخصی برقرار نیست، نهایتاً موجب افزایش نابرابری در سطح

اجتماع شهر و عامل رشد مشاغل غیر مولد و پول‌ساز است. افزایش این نوع مشاغل کاذب منجر به از بین رفتن جرف مولد و کم درآمده شده، ضربات مهلکی بر وجدان کاری و ارزشهای اجتماعی وارد می‌آورد و افراد از عناصر فرهنگی خالی شده، انگیزه نوآوری و عشق به کار که عامل پیشرفت اقتصاد است از میان رفته و جای خود را به فرهنگ مصرفی و برون‌گرا می‌دهد. گسترش شکاف درآمدی عامل تلاش جهت کسب درآمد حتی از راه‌های نامشروع شده و فردگرایی جای همبستگی و خواست ملی را می‌گیرد. فقر اخلاقی و تزلزل ارزش‌های انسانی و افزایش جرایم جنحه‌ای از دیگر عوارض آن است.

تمرکز افراد در شهرها منجر به ایجاد مسایل شهری گشته و مشکلاتی، نظیر: مسکن، حمل و نقل، بهداشت، آموزش و کار را بوجود آورده که موجب افزایش تقاضا برای کالا و خدمات می‌شود؛ که این امر به علت عدم کشش عرضه محصولات داخلی (صنعتی - کشاورزی) افزایش قیمت‌ها را بدنبال آورده و زمینه‌های تورمی را شدت می‌بخشد. سیاست دولت در این حالت، تمسک به واردات است، واردات کالاهای اساسی و مواد اولیه و ساخته شده نبض مصرف کشور را در بازارهای خارجی به طیش آورد. چه شهرها بواسطه کوچکترین احتیاجات خود بخارج وابسته اند.

زمای رابطه منطقی میان شهر و در هم ریخت که، مشخصه اصلی شهر به عنوان عامل دریافت دارنده مواد اولیه (از روستا) و ارائه کننده خدمت به اطراف خود، بدین نحو تغییر نموده که شهر از خارج وارد نماید، خود مصرف کند، به روستا نیز بدهد و در نهایت برای قطبی خارج از اقتصاد ملی کشور و ادغام در نظام جهانی سرمایه سالاربتد و در تقسیم کار بین المللی به عنوان دهنده مواد اولیه و گیرنده مواد واسطه‌ای و مصرفی عمل نماید و قطع شریان وابستگی، حیاتش را مورد تهدید قرار دهد. نگاهی به تولید و واردات کشاورزی، (جدول ۲) و واردات مواد واسطه‌ای و اولیه صنعتی نشانگر این مدعاست.

شیوه تأمین ارز مورد نیاز این واردات از طریق فروش نفت بوده است؛ در حالیکه صرف درآمد نفت در شهرها برای ایجاد امکانات رفاهی، خود

جدول (۲) تولید و واردات محصولات کشاورزی

سال	گندم		برنج		جو	
	تولید	واردات	تولید	واردات	تولید	واردات
۱۳۲۵	۱۹۲۵۲۰۹	۶۴	۳۳۵۸۱۹	۸۱	۷۶۴۵۱۱	۸۸
۱۳۳۰	۲۲۶۶۲۸۰	۱۰۶۷	۳۵۹۹۷۸	۷۵	۸۹۲۹۹۶	۰
۱۳۳۵	۲۶۳۳۰۰۰	۱۱۹۹۶۶	۴۸۷۰۰۰	۱۳۳	۱۰۸۰۰۰۰	۳۷
۱۳۴۰	۲۸۶۹۱۱۹	۱۳۸۳۱۲	۴۰۰۰۰۰	۱۱۲۸۱	۸۰۲۳۴۳	۰/۵
۱۳۴۵	۴۳۸۰۹۸۲	۲۱۲۲۶۹	۷۸۸۲۵۴	۱۳۴۹۵	۱۰۸۰۴۰۰	۱۴۳۸
۱۳۵۰	۳۶۱۲۰۰۰	۹۱۳۳۹۱	۱۰۰۸۰۰۰	۹۱۸۷۲	۸۵۱۰۰۰	۱۹۱۸۶۲
۱۳۵۵	۶۰۰۰۰۰۰	۷۸۴۰۰۰	۱۶۰۰۰۰۰	۲۶۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰۰	۲۸۶۰۰۰
۱۳۶۰	۶۶۱۰۰۰۰	۱۹۴۵۰۰۰	۱۶۶۴۰۰۰	۵۸۷۰۰۰	۱۷۰۰۰۰۰	۵۵۰۰۰۰
۱۳۶۲	۵۹۵۶۰۰۰	۲۸۷۶۰۰۰	۱۲۱۶۰۰۰	۶۷۸۰۰۰	۲۰۳۴۰۰۰	۵۴۲۰۰۰

مأخذ: سالنامه آماری، بررسی تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب^۲ سازمان برنامه و بودجه

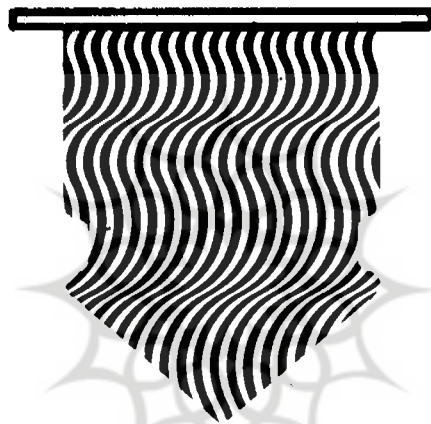
سبب افزایش تقاضا برای کالاها مصرفی، صنعتی، خدمات و مواد غذایی گشته است.

با وجود درآمد نفت در طول سالهای متمادی، کسری بودجه کشور در ارقامی نجومی رشد نموده است، نحوه تأمین این کسری استقراض از بانک مرکزی می‌باشد. این تزریق مداوم پول همراه با ارزهای نفتی موجب بروز تورم در اقتصاد، مخصوصاً بخش شهری که جذب کننده تمامی امکانات است، می‌گردد، زیرا پول بیرونی که در ازای افزایش دارایی خارجی (طلا و ارز) و افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی ایجاد می‌شود، به منزله افزایش در دارایی‌های مردم است. اثرات این نوع پول را در دو جنبه می‌توان بررسی نمود:

الف - افزایش دارایی‌های حقیقی مردم بر مصرف، سرمایه‌گذاری، درآمد و سطح قیمت‌ها.
ب - اثر آن بر ساخت اقتصادی جامعه، زیرا این پول عمدتاً از کانال مخارج دولت در جهت ایجاد تقاضا برای کالاها و خدمات مورد نیاز دولت صرف می‌شود و می‌توان انتظار داشت ساختار تولید نظام اقتصادی را به طرف رشد بخش عمومی که در چهارچوب مخارج دولت رشد کرده‌اند سوق دهد. از آنجایی که پول خود نوعی دارایی به شمار می‌رود، افزایش در حجم پول بیرونی ترکیب دارایی خانوارها را تغییر داده و افراد اقدام به جایگزینی این پول با سایر انواع دارایی نموده و این جایجائی خواه ناخواه در افزایش تقاضا برای کالاها مصرفی بادوام مانند اتومبیل و وسایل بادوام منزل و... مؤثر است و منابع اقتصادی را به سمت تولید و وارد کردن مواد واسطه‌ای تولید این کالاها مانند قطعات یدکی و غیره جذب می‌کند. افزایش نقدینگی بخش خصوصی از دیگر نتایج این اقدام‌هاست که در بخش اول مورد بحث قرار گرفت.

اختلاف درآمد شهر و روستا و اختلاف درآمد بین طبقات شهرنشین از مشخصات اصلی سرمایه‌داری می‌باشد. حمایت از قشری خاص از دولتمردان و دیوانسالاران که وظیفه اشاعه فرهنگ مصرفی وارداتی را به عهده داشتند و کسب درآمدهای میلیونی از راه‌های غیر مشروع موجب رشد این اختلاف گردید. گروهی اندک با درآمدهای بالا که قسمت عمده آن را صرف مخارج تجملی و خرید کالاها ساخته‌اند

می‌نمودند و تنها راه سعادت را فرنگی شدن می‌دیدند، ارزش‌های اسلامی و اصیل را به باد استهزا گرفته و تقیح نمودند. رواج فرهنگ زیاده‌خواهی، اسراف، تبذیر، افزایش مخارج خودنمایی و تمایل به مصرف شدید در شهرها منجر به ایجاد تقاضای اضافی برای کالاها و خدمات گردید. ماحصل سخن آنکه، ساختار اقتصاد شهر در فرهنگ مصرف، وابستگی، رشد شدید ناشی از مهاجرت، بخش خدمات بادکنکی و مشاغل کاذب خلاصه می‌گردد که به عنوان عوامل سازنده تورم همه دست بدست هم داده، عمل می‌کنند و حل این مسئله جز با تغییر ساختاری فرهنگی شهر امکان پذیر نیست.



زیرفوس:

- ۱ - شاهپور شاهین، بررسی روابط بین صنایع - سازمان برنامه و بودجه.
- ۲ - سیاست پولی، سیاست‌هایی است که توسط دولت و با کمک ابزارهایی چون «نرخ ذخیره قانونی»، «نرخ تنزیل مجدد» و... حجم پول در جریان را کم و زیاد میکند.
- ۳ - در اصطلاح ریاضی، تغییرات نسبی تابع را به ازاء کمترین تغییرات نسبی متغیر اندازه‌گیری می‌کنند. در اینجا ککش عرضه نسبت به قیمت مقصود است.
- ۴ - سیاست مالی، سیاست دولت که با کمک ابزار مالی مانند مالیات‌ها، کسری بودجه و پرداخت‌های انتقالی صورت می‌گیرد.
- ۵ - بازار مصرف کالا و خدمت: در اینجا منظور عملکرد کل عرضه و تقاضای کالا در سطح ملی و بعد آن می‌باشد.
- ۶ - سپرده قانونی: بانک‌های کشور موظف‌اند طبق قانون پولی کشور نسبت معینی از سپرده‌های خود را نزد بانک مرکزی به ودیعه بگذارند. مقدار این نسبت، تحت تأثیر سیاست‌های پولی بانک مرکزی تغییر می‌کند.
- ۷ - اقتصاد ایران، ج. باری‌یر

مشکلات مالیات

مالیات‌ها یکی از اصلی‌ترین منابع درآمد دولت است و در این بخش (حقیقی و حقوقی) برای تأمین مالی انجام وظایف خود برداشت می‌کند.

اصول تعیین مالیات

مالیات‌ها به نسبت استفاده‌ای که اشخاص از خدمات عمومی می‌کنند بین آنها توزیع می‌گردد، و در طی دوران اخیر دو اصل «بهای خدمات» و «توانایی پرداخت» معنای تعیین مالیات‌ها برای تقسیم مخارج عمومی بین افراد بوده است.

اصول بهای خدمات

طبق این اصل افراد می‌بایست متناسب با استفاده‌ای که از خدمات دولتی و عمومی می‌برند، مالیات بپردازند. البته این اصل فقط در موارد خاصی که میزان انتفاع از خدمات دولتی قابل ارزیابی و اندازه‌گیری باشد، کاربرد دارد. از جمله این خدمات آب، برق، تلفن و... را می‌توان نام برد. تعمیم این اصل به کلیه فعالیت‌های دولتی منطقی نیست، چرا که اندازه‌گیری میزان استفاده از آنها، مثلاً از زمین‌ها، عوارض استفاده از حادها، گردشگاه‌ها و پارک‌ها و... عملی نمی‌باشد و با حسی اگر امکان آن بود که هزینه و میزان استفاده قابل تقسیم باشد، بدلیل بیارایی امکانات مالی، استفاده از این خدمات مشخص قشر خاصی می‌شد که با هدف عمده هزینه‌های عمومی که تأمین رفاه و آسایش برای عامه مردم می‌باشد، مغایرت دارد.

اصول توانایی پرداخت

به موجب این اصل، مالیات متناسب با تمکن و قدرت مالی افراد وضع می‌شود و در واقع میزان ثروت و درآمد اشخاص تعیین‌کننده به برخورداری شخص از خدمات دولتی به‌منظر می‌باشد.

صفات و شرایط مالیات

مالیات‌هایی که توسط افراد پرداخت می‌شود، باید دارای شرایط و ویژگی‌های خاص و مشخصی باشد. تا مابعد فشار مالی به مؤدیان مالیاتی نگردد و موجب فرارهای مالیاتی نشود. لذا در کتاب «ثروت ملی»